

مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین فضاهای عمومی در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران

(مطالعه موردی: ورامین، قرچک، اسلام‌شهر)^۱

سید محسن حبیبی^۲

استاد دانشکده شهرسازی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

جواد عرفانی^۴

سارا حمیده^۵

نوید پورمحمد رضا^۳

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب معاونت پژوهشی دانشگاه تهران با عنوان «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین عرصه عمومی و فضای شهری در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی: ورامین، قرچک، و اسلام‌شهر)» به شماره ۹۱۰۲۰۰۳/۱/۰۴ و همچنین طرح پژوهشی جندی‌شاپور مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری است که زیر نظر دکتر سیدمحسن حبیبی و با همکاری زیبا لقمانی، جواد عرفانی، نوید پورمحمد رضا، و سارا حمیده انجام شده است. بدین وسیله نویسندگان تشکر خود را از این دو نهاد اعلام می‌کنند.

2. Smhabibi@ut.ac.ir

۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۴. کارشناس ارشد طراحی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

۵. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

کلیدواژگان: فضای عمومی، فضای شهری، فضای مذهبی، فضای سبز، حیات مدنی.

چکیده

شناخت شیوه‌های زندگی انسان شهری یا انسان در شهر، موضوعی است که در دهه‌های اخیر بدان توجه شده و پژوهش‌های انجام‌گرفته فارغ از خاستگاه فکری و ایدئولوژیکی خود، به واکاوی و جستجو در این مفهوم و بازتولید مفاهیم و انگاره‌های مرتبط با آن پرداخته‌اند. در این میان آن‌چه بیش‌وکم بر آن توافق شده، تبلور جلوه‌های مدنی حیات انسان در فضای عمومی است. و بدین سبب حیات شهری در گروی وجود و رونق فضاهای عمومی معنا می‌یابد و کیفیت این فضاها به عنوان معیار کیفیت زندگی شهری به طور عام و در شهرهای «خودانگیزخته» به عنوان معیار تکوین مفهوم شهر به طور خاص، مد نظر قرار گرفته است. این نوشتار سعی بر آن دارد تا با شناسایی و مقایسه تطبیقی فضاهای عمومی در سه شهر ورامین، قرچک، و اسلام‌شهر، در گام نخست مفاهیم عام فضا یا عرصه عمومی را بر مبنای دو رویکرد «فلسفه سیاسی - اجتماعی» و «برنامه‌ریزی و طراحی شهری» به گونه‌ای موجز واکاوی کند و در گام بعدی با عطف به ویژگی‌های عیان و مستتر در نمونه‌های

پژوهش‌شده، انگاره فضای عمومی را در چهارچوب سه گونه اصلی و یک گونه فرعی (۱. فضاهای شهری، ۲. فضای مذهبی، ۳. فضای سبز، و ۴. فضای عمومی بالقوه) بررسی و تحلیل کند. تحلیل کلی یافته‌های پژوهش بر مبنای شباهت‌ها و تفاوت‌های فضای عمومی در این سه شهر در قالب سه معیار کالبدی، عملکردی، و اجتماعی نشان از آن دارند که در هر سه شهر گونه‌های بسیار شاخص و متفاوتی از فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی تکوین یافته که ویژگی‌های آنان در ارتباط با علل و نحوه شکل‌گیری سه شهر بسیار معنادار است؛ ورامین شکل‌دهنده مراجع ذهنی پر قدرت و فضاهای عمومی با هویت و معنادار، قرچک در آغاز پویایی برای به دست آوردن هویت شهری و فضاهای مرتبط با آن، و اسلام‌شهر به سرعت در حال تولید فضاهای شهری و مراجع نمود جلوه‌های حیات مدنی است.

مقدمه

«منطقه شهری تهران با گستره ۲۵۰ کیلومتر از شرق تا غرب و ۵۰ کیلومتر از شمال تا جنوب، میان کوه و کویر در دامنه البرز قرار دارد. شهر تهران در بخش شرقی این منطقه واقع شده است. جهات گسترش شهر بیشتر به سمت غرب و کرج و قزوین و همچنین جنوب است. سه عنصر

۱. از میان سوبه‌های متکثر و وجوه گسترده‌انگاره فضای عمومی، کدام جنبه‌ها و ویژگی‌ها در شهرهای بررسی شده (ورامین، قرچک، و اسلامشهر) تبلور کالبدی یافته اند؟
۲. ویژگی‌های عام و خاص کالبدی، عملکردی، و اجتماعی فضاهای عمومی در شهرهای بررسی شده کدام اند؟
۳. به طور کلی آیا می‌توان از ارتباطی معنادار و دوسویه میان ماهیت فضاهای عمومی و علل و نحوه شکل‌گیری این شهرها سخن راند؟

۶. سیدمحسن حبیبی و برنارد هورکاد، اطلس کلانشهر تهران، ص ۲۰ و ۲۱.
 ۷. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، (بازدید: اردیبهشت ۱۳۸۷)

<http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=549&gentype=View&PropertyID=1495/ Table040s23.xls>.

۸. محمدتقی رهنمایی، «گسترش تهران و دگرگونی روستاهای آن»، ص ۲۶۶.

۹. برای کسب اطلاعات دقیق‌تر درباره‌انگاره اصلاحات ارضی و تأثیرات ناشی از آن، نک:

- پرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و دیگران. تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.

- محمدعلی همایون کاتوزیان، *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیز. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.
 بخش سوم، ص ۵۲۴ - ۵۴۹.

- علی مدنی‌پور، تهران ظهور یک کلانشهر. ترجمه حمید زرآزوند. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
 ص ۳۰۴-۲۹.

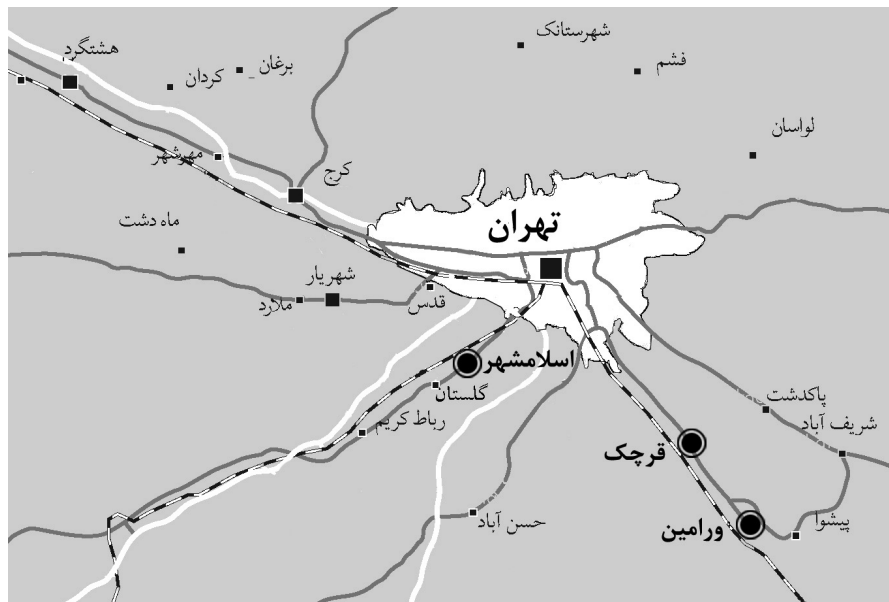
مشخص کوهستان، کوهپایه، و بیابان، چشم‌انداز و محیط طبیعی و اجتماعی و فرهنگی منطقه را شکل بخشیده و به آن سمت و سو داده است؛ از بالا به پایین، از سرما به گرما و از بیلاق به قشلاق. شهرها و روستاها، بین این دو قطب بر روی کوهپایه قرار گرفته اند و فعالیت‌های انسانی نیز در همین فاصله استقرار یافته اند.^۶ منطقه کلان‌شهری تهران، شبکه‌ای شکل یافته از کانون‌های زیستی است که هر یک با ویژگی‌های خاص اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خود، در روابط پیچیده و کمتر شناخته با یکدیگر و همچنین در پیوندی استوار با مادرشهر تهران زیست می‌کنند. این مجموعه در سال ۱۳۸۵ ش دارای ۵۳ نقطه شهری با میزان شهرنشینی ۹۱/۲۷٪ بوده^۷ در حالی که «در سال ۱۳۴۵ ش از میان این ۵۳ نقطه شهری فقط ۶ کانون تهران، کرج، ورامین، شهریار، پیشوا، و اشتهارد نقطه شهری محسوب می‌شده اند.»^۸ در این دوره ۴۰ ساله (۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ ش) جمعیت منطقه شهری تهران تقریباً سه برابر شده که اکثریت آنان را شهرنشینان جدیدی تشکیل می‌دهد که در حومه‌های جدید یا حاشیه‌های شهرهای کهن اسکان یافته اند (ت ۱).

به طور کلی مسئله حومه‌نشینی و حاشیه‌نشینی در ایران به سال‌های آغازین دهه ۱۳۲۰ ش (مقارن ورود متفقین به ایران و خروج آرام طبقات مرفه از مرکز شهر کهن) و پس از آن به دهه ۱۳۴۰ ش باز می‌گردد. بخش عمده‌ای از این افزایش جمعیت در دوره اخیر محصول مهاجرت عده کثیری از روستاییان است که در پی تحولات اقتصادی - اجتماعی چهار دهه اخیر به تهران روی آورده و بیشتر در حومه‌ها و حاشیه‌های این شهر سکنا می‌گزینند. اجرای طرح اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۲ ش آغازگر حرکتی است که ترکیب شکل یافته نظام جمعیتی ایران در طول سده‌ها و ترکیب متعادل جمعیت شهری و روستایی را به یکباره بر هم می‌زند. با استقرار صنایع کلان در حاشیه شهرهای بزرگ کشور و نیاز این صنایع به انبوهی از کارگران غیر متخصص، سیل مهاجران روستایی رانده شده پس از اجرای طرح اصلاحات ارضی به امید کسب درآمد بیشتر روانه شهرها می‌شوند. نتیجه این، بالا رفتن میزان شهرنشینی و تمرکز جمعیت در اطراف شهر است.^۹

«در چنین شرایطی و با توجه به خارج از محدوده قرار گرفتن زمین‌های پیرامون تهران در طرح جامع ۱۳۴۵ ش و بی‌قانونی‌های ناشی از آن، بسیاری از زمین‌های مجاور تهران و دیگر شهرهای قدیمی موجود مانند ورامین و

۱۰. سید محسن حبیبی، «اسلامشهر: یک مجموعه زیستی کامل یا یک مجموعه ترکیبی»، ص ۶۲-۶۴.
۱۱. سیدمحسن حبیبی و برنارد هورکاد، پیشین، ص ۵۶.
۱۲. همان، ص ۷۰.
۱۳. سیدمحسن حبیبی، «نقش و جایگاه مجموعه‌های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسکان کشور، نمونه مطالعاتی: اسلامشهر»، ص ۲۸.
۱۴. همان جا.

ت ۱. نقشه منطقه کلانشهری تهران.



طبیعی است»^{۱۳}. اما مسئله اصلی آن است که با شناخت صحیح از جایگاه و نقش این کانون‌ها در نظام اسکان، سازمان فضایی و توزیع فعالیت‌ها در کشور می‌توان به سمت رفع یا به عبارت بهتر، کاهش معضلات و مشکلات این کانون‌ها با عطف به لحاظ کردن سویه‌های مثبت آنها برای تقلیل نابسامانی موجود، در سازمان فضایی و جمعیتی کشور حرکت کرد.

شاید بتوان گفت که برای ایجاد زندگی پایدار در منطقه کلان‌شهری تهران، لازم است که کانون‌های زیستی واقع در منطقه شهری آن تا حدود زیادی در برآورده کردن نیازهای اقتصادی - اجتماعی خود، خوداتکاء باشند و در وضعیت خودگردانی نسبی از مادرشهر قرار گیرند. در این صورت می‌توان از ارتباطی سالم و پویا بین کانون‌های منطقه کلان‌شهری برای برآورده کردن نیازهای کل مجموعه شهری سخن گفت و کلیتی یک‌پارچه و منسجم را طرح کرد.^{۱۴}

شاید بتوان یکی از معیارهای سنجش نوع و کیفیت زندگی در مجموعه‌های شهری و کلان‌شهری را در چگونگی ماهیت،

همچنین برخی از روستاهای قدیمی، به‌خصوص آنهایی که در امتداد مسیرهای منتهی به تهران از جمله محورهای تهران - کرج، تهران - ساوه، و تهران - ورامین قرار گرفته‌اند، به عرصه تاخت‌وتاز سوداگران تبدیل شده و برای اسکان این جمعیت مهاجر مورد استفاده قرار می‌گیرند.^{۱۰}

«دگرگونی واقعی تهران و ایجاد یک منطقه واقعی کلان‌شهری بعد از افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۳ش و پس از انقلاب اسلامی صورت گرفت»^{۱۱} «اولین نتیجه انقلاب اسلامی در تهران الغای محدوده ۲۵ ساله و الغای طرح جامع (مصوب ۱۳۴۷ش) و آزادی عمل شهروندانی بود که هر کجا که توانسته بودند ساخت‌وسازهای غیر مجاز کرده بودند. این دوره آشفته‌گی همراه با ساخت "مسکن انقلابی" در سال ۱۳۶۱ش پایان یافت، اما انفجار فضائی و جمعیتی و در نتیجه ظهور حومه‌های جدیدی در جنوب و غرب تهران را موجب شد»^{۱۲} توسعه بی‌ضابطه کانون‌هایی مانند کرج، ورامین، و شهریار و همچنین شکل‌گیری کانون‌های خودانگیخته‌ای مانند اسلامشهر، شهر قدس (قلعه حسن خان)، قرچک، نسیم‌شهر (اکبرآباد)، سلطان‌آباد، پاکدشت، و... از نتایج چنین تحولاتی اند.

هر کدام از این کانون‌ها پدیده‌های منحصربه‌فردی هستند که تحت شرایط خاص خود تشکیل شده و ساختار و هویت ویژه‌ای یافته‌اند. گرچه شکل‌گیری و تکوین این کانون‌ها واجد برخی سویه‌های مثبت مانند تعدیل و پذیرش سرریز جمعیت مهاجر و تأمین مسکن مورد نیاز آنان در حوزه بلافصل مادرشهر است، اما به سبب شکل‌گیری بدون برنامه و عدم پیش‌بینی بسیاری از نیازمندی‌های ضروری به منظور نیل به یک زندگی باکیفیت، مشکلات و معضلات بسیاری برای ساکنان این کانون‌های زیستی رخ داده و می‌دهد، و ناهنجاری‌های منتسب به ساکنان این مجموعه‌ها معنا می‌یابند.

به هر حال «ظهور این مجموعه‌ها» تا زمانی که کشور نه از طریق تولید که از طریق درآمد نفت می‌زید، امری قطعی و

15. Ch. T. Goodsell, "The Concept of Public Space and It's Democratic Manifestations", pp 363-365.

16. ibid.

17. N. Pasaogullari, "Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta", pp 227-228.

18. Cybriwsky, R. "Changing patterns of urban public space", p 226.

۱۹. برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ تعریف فضای عمومی، نک: - سیدمحسن حبیبی، «جامعهٔ مدنی و حیات شهری»، در هنرهای زیبا، ش ۷ (تابستان ۱۳۷۹).

- سیدمحسن حبیبی، «فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی»، در صفا، ش ۲۸ (بهار و تابستان ۱۳۷۸).
- سیدمحسن حبیبی، «فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای»، در صفا، ش ۳۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰).

- علی مدنی‌پور، «فضاهای عمومی و خصوصی شهر»، ترجمهٔ بابک محقق. در اندیشهٔ ایرانشهر، ش ۳ (بهار ۱۳۸۴).

۲۰. لازم به ذکر است که مطالب ارائه‌شده در این نوشتار حاصل و نتیجه مشاهده‌های مکرر و استنتاج‌های متعاقب آن توسط گروه پژوهشی بوده و تلاش شده است که موارد همسان مورد بررسی قرار گیرند. برای این منظور از ابزارهای گفتگو با ساکنان، انجام مطالعه پرسشنامه‌ای در مقیاس کوچک و در پی آن‌ها از حضور مستمر در فضا ←

هویت، و وضعیت فضاهای عمومی شهرهای تابعه جستجو کرد. زیرا در چنین فضاهایی است که جلوه‌های متکثر و چندسویهٔ حیات مدنی فرصت بروز یافته و زمینهٔ لازم برای برقراری و در عین حال شکوفایی روابط اجتماعی میان ساکنان و حتی در سطحی فراتر، تعلق و پابندی آنان به کانون‌ها و مجموعه‌های زیستی فراهم می‌آید. بنا بر این و به منظور درک و تصویری بیش‌و کم روشن از نوع و کیفیت فضاهای عمومی و تعیین ویژگی‌های آن در منطقهٔ شهری تهران، سه کانون مهم جمعیتی که هر یک دارای علل و عوامل متفاوتی در سیر تکوین و تحول خود بوده و از همین ره واجد هویتی خاص و ویژه اند، به عنوان نمونه‌های پژوهشی انتخاب شده اند. تبیین و بازساخت مفهوم، وضعیت، و کیفیت فضاهای عمومی و نوع کارکرد آنها در این سه شهر و تحلیل تطبیقی آنها از اهدافی است که در این پژوهش تعقیب می‌شود.

تعاریفی چند از «فضای عمومی»

باتوجه به این که در خلال مقاله بارها واژه «فضای عمومی» به کار برده می‌شود، لازم است که پیش از ورود به بحث و به منظور ایجاد توافقی ضمنی، یا به بیان دیگر هم‌زمانی میان خواننده و مقاله، مفاهیم و رویکردهای فضای عمومی به گونه‌ای مختصر بیان شود:

۱. رویکردهای مبتنی بر فلسفهٔ سیاسی- اجتماعی که عمدتاً فضاهای عمومی را با مفاهیم و انگاره‌هایی چون گفتمان عمومی، حوزهٔ عمومی، شهروندمداری، کنش سیاسی، قلمروی اجتماعی، و...^{۱۵} - مد نظر قرار داده و به منظور وضوح هر چه بیشتر به ماهیت فضاهای عمومی به تبیین و بسط مفهومی- قیاسی مفاهیم مذکور در ارتباطی چندسویه می‌پردازند.

۲. نظرگاه‌ها و دیدگاه‌های استوار بر «برنامه‌ریزی و طراحی شهری»، با نگاهی جزئی و انضمامی نسبت به رویکرد پیشین به ایضاح و تشریح مفاهیمی چون فضاهای عمومی و مراکز شهری و تعامل دوسویه آنها با آموزه‌هایی نظیر زندگی شهری، حس اجتماعی، همبستگی عمومی، و

خودانگیختگی اجتماعی^{۱۶} مبادرت ورزیده و از همین ره به تعریف و کاربست معیارها و مولفه‌هایی چند می‌پردازد؛ مولفه‌هایی نظیر قابلیت دسترسی به فضاها، میزان بهره‌وری از فضاها، نحوهٔ طراحی، ایمنی و امنیت فعالیت‌ها و تسهیلات، ساختار کالبدی خیابان‌ها^{۱۷}، چگونگی اعمال نظارت بر تأمین امنیت، ملحوظ کردن حقوق اقشار مختلف اجتماعی، ملاحظات زیباشناختی، و...^{۱۸}

بی‌تردید مصادیقی دیگر نیز از طیف گسترده و وسیع مبانی نظری مرتبط با مفهوم فضای عمومی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را نیز بیان کرد ولی بدان سبب که شهرهای موضوع پژوهش در مرحلهٔ آغازین تکوین فضای عمومی قرار دارند، به همین دو نگاه کلی بسنده می‌شود:

بر این اساس فضای عمومی^{۱۹} را می‌توان عرصهٔ حضور مردم و به منزلهٔ پاسخی کالبدی- فضایی به نیازها و درخواست‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی آنان در نظر گرفت؛ پاسخی کالبدی که گاه به صورت فرایندی از پایین به بالا از سوی خود مردم طرح و در نهایت تکوین می‌یابد و گاه توسط مسئولان دولتی و در غالب فرایندی از بالا به پایین ایجاد می‌شود. در واقع فضاهای عمومی به مثابه عرصهٔ تعاملات اجتماعی، معاشرت، و جامعه‌پذیری، نقش و تأثیری انکارناپذیر در ارتقای کیفیت زندگی شهری داشته و همبستگی و هم‌پیوندی عمومی، حس جامعه‌پذیری، خودجوشی و خودانگیختگی اجتماعی، گفتمان عمومی، و... را دامن می‌زنند. در مقابل مردم نیز با حضور همیشگی، یا گاه‌وبیگاه و اتفاقی خویش در این فضاها خواه به سبب مقاصد از پیش برنامه‌ریزی شده نظیر خرید کردن یا شرکت در مراسمی خاص، خواه به قصد استراحت و تفریح، دیدن و دیده شدن، خواه به منظور پیروی و تبعیت از رسوم و آیین‌هایی خاص در روزهایی مشخص، و خواه برای عبور و رسیدن به محل کار و در عین حال نیم‌نگاهی به جریانات و اتفاقات نمایش شهری افکندن، همواره سرزندگی و حیاتی خاص و منحصره‌فرد به این فضاها می‌بخشند.



موارد پژوهش الف. ورامین

ورامین شهری است با سابقه کهن شهرنشینی، انباشته از خاطرات و آمیخته با افسانه‌ها. ردپای نام ورامین را می‌توان در میان نام‌های مشاهیر، کتاب‌ها و داستان‌های تاریخی ایرانی بازجست. نخستین زمینه‌های ایفای نقش ورامین به مثابه شهری مهم به پس از ایلغار مغول و ویرانی ام‌البلاد ری باز می‌گردد؛ آن زمان که «قسمت اعظم ساکنین آن [ری] به ورامین نقل مکان کردند و در آغاز قرن ۸ ق این شهر از آبادترین شهرهای این ناحیه محسوب می‌شد».^{۲۱} میراث معماری امروزی شهر، یادگار این دوران است. اما ورامین امروز، شهر کمتر شناخته‌شده‌ای است که نقطه آغاز تحولات منجرشده به پدیداری وضعیت معاصر آن را می‌توان در تحولات سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ ش جستجو کرد. در این دوره برخی صنایع تبدیلی، آموزشگاه‌ها، و نهادهای رسمی در این شهر مستقر می‌شوند و اندیشه نوآورانه (مدرنیستی) حاکم بر این دوران با انجام خیابان‌کشی به عنوان مهم‌ترین اقدامات شهرسازانه در ورامین نیز آثاری از خود بر جای می‌گذارد. همین خیابان‌ها هستند که سمت‌وسوی توسعه ورامین در دهه‌های بعد را هدایت کرده و مرکز کالبدی و عملکردی امروز آن را شکل می‌دهند^{۲۲} (ت ۳).

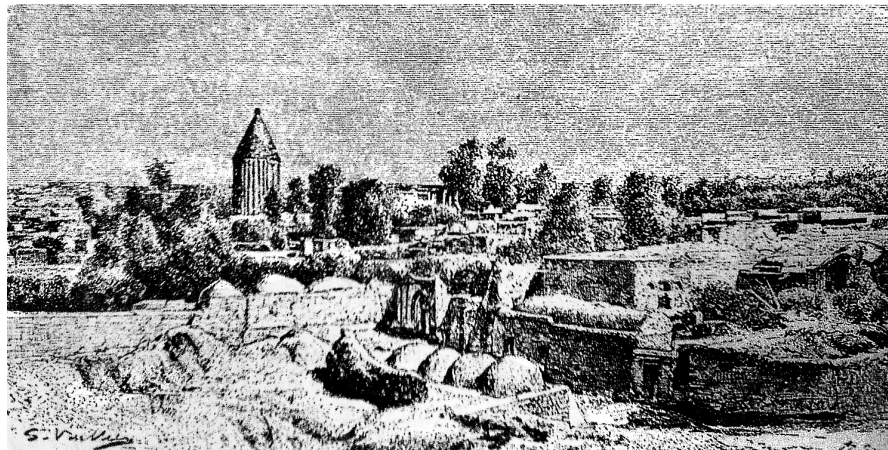
→ استفاده شده است. در این بررسی‌ها و در هر کانون زیستی دسته‌بندی‌های جزئی‌تر تدوین شده توسط گروه پژوهش ملاک عمل قرار گرفته اند.

۲۱. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «ورامین». ۲۲. برای کسب اطلاعات بیشتر، نک: محمد امینی و همایون رضوان. تاریخ اجتماعی ورامین از ابتدا تا عصر پهلوی. ورامین: انتشارات علمی فرهنگی صاحب‌الزمان (ش)، ۱۳۸۰.

- علیرضا تاجیک و سیده زهرا عطری. آثار تاریخی ورامین باستان. قم: مهرالمؤمنین، ۱۳۸۶.

ت ۲. (راست) جدول گونه‌بندی فضاهای عمومی.

ت ۳. (چپ) دورنمایی از ورامین در سفرنامه مادام دیولافوا؛ (مأخذ: ایران، کلد و شوش).



شیوه پژوهش

بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت‌گرفته در این بخش، بر ارتباط و پیوند مهم و تأثیرگذار میان نحوه شکل‌گیری و تکوین کانون‌های زیستی یادشده با نوع و کیفیت عملکردی و کالبدی فضاهای عمومی‌شان تکیه دارد. بدین منظور در بررسی و تبیین فضاهای عمومی هر سکونت‌گاه، نخست موجز و مختصر به چگونگی شکل‌گیری و تکوین فضاهای عمومی در رابطه با تاریخچه کانون زیستی اشاره شده و سپس وضعیت معاصر این فضاها کاویده شده است.^{۲۰}

روش کار و طریقه پژوهش نیز مبتنی بر مشاهده دقیق فضاها، مکان‌ها، و عناصر شهری بوده و استنتاج نتایج و یافته‌های اولیه از طریق بررسی تفاوت‌ها، تشابهات و به طور کلی درون‌مایه و محتوای این فضاها یا مکان‌ها صورت گرفته است. برای داشتن تحلیل‌های مقایسه‌ای روشن‌تر میان این سه نمونه، در اولین گام مفهوم عام فضای عمومی در قالب سه گونه اصلی و یک گونه فرعی مطابق «ت ۲» بررسی شد.

این مرزبندی و جداسازی فقط برای درک روشن‌تر از انگاره فضای عمومی صورت پذیرفت؛ زیرا درهم‌تنیدگی و تعامل این مجموعه فضاها در این کانون‌های زیستی به حدی است که هرگونه مرزبندی و تفکیک، چه ذهنی و چه عینی را بی‌معنا جلوه می‌دهد. در ضمن لازم به ذکر است که به سبب وجود پاره‌ای از شباهت‌ها در فرم و عملکرد فضاهای غیر رسمی و بالقوه در هر سه شهر و نیز به منظور پرهیز از درازگویی، تشریح و تبیین محتوا و کالبد این گونه فضاها در قالب، در انتها و در بخش تحلیل و پردازش یافته‌ها صورت گرفته است.

اصلی	فضاهای شهری	میدان و خیابان‌ها
	فضاهای مذهبی	مساجد، امامزاده‌ها، گورستان‌ها، حسینیه‌ها و تکایا
	فضاهای سبز	پارک‌های درون شهری، فضاهای سبز خارج شهری و میادین ورودی، باغات و اراضی کشاورزی
فرعی	فضاهای غیررسمی و بالقوه (گونه فرعی)	عرسه‌هایی از شهر، که در زمان‌های گوناگون و به دلایل متفاوت به عنوان فضای عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

ت ۴. (راست، بالا) جدول جمعیت ورامین از ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ ه. ش. (جمعیت به هزار نفر است).
 ت ۵. (راست، پایین) فضاهای عمومی ورامین به تفکیک گونه‌ها.

ورامین امروز پدیده پویایی است که به سرعت بر وسعت و جمعیت خود می‌افزاید و زمین‌های کشاورزی بیشتری را که روزگاری حضور خود را در ارتباط با آنها توجیه می‌کرد به زیر ساخت‌وساز می‌برد. توسعه سریع شهر، بسیاری از روستاهای مجاور را به محلاتی از شهر امروز تبدیل کرده است و بدین سبب پیچیدگی فرهنگی - اجتماعی و کالبدی خاصی را پدید

آورده است. ولی علی‌رغم این تغییرات سریع، استخوان‌بندی شهر ورامین کماکان مبتنی بر ساختار تاریخی آن باقی مانده است و تحولات صورت گرفته بر حول این استخوان‌بندی تاریخی صورت گرفته است (ت ۴).

فضاهای عمومی ورامین (ت ۵)

۱. فضاهای شهری

دو محور چلیپایی شکل شهدا - ۱۵ خرداد و طالقانی - مسجد جامع که به وسیله میدان امام خمینی به یکدیگر اتصال می‌یابند، هسته اصلی شکل‌دهنده مرکز ورامین بوده و مجموعه منسجم و به هم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند که می‌توان نوع و کیفیت زندگی ورامینی‌ها را از طریق آن بازشناخت و در زوایای آن به جستجو پرداخت. با گذر سالیان دراز از زمان تکوین این فضاها تا به امروز، نوعی تعادل میان فعالیت‌ها، کالبد، و فضای شهری شکل گرفته و مجموعه خود را به صورت یک کل به هم پیوسته عرضه می‌کند. پراکنش کاربری‌ها در این مجموعه فضایی مفهوم استفاده مختلط از فعالیت، شکل، و فضا را طرح می‌کند؛ بدین معنا که استقرار کاربری‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان چهره و سیمای با عملکردی خاص را در هر یک از اجزای این مجموعه مشاهده کرد و حتی گاه این عدم همسانی به تعارض بدل می‌شود. به طور مثال مغازه یک فروشنده امعا و احشای دام در کنار یک فروشگاه پوشاک استقرار یافته است. گو این که مجموعه همسانی از کاربری‌ها مانند پوشاک شیک، طلا و جواهرات، لوازم خانگی، و... در مجاورت یکدیگر عنصری جدید مانند پاساژ را شکل می‌دهند. پاساژهای احداث شده در سال‌های اخیر در مجاورت میدان مرکزی شهر به همین سبب شکل گرفته اند (ت ۶).

همزیستی کاربری‌ها با توجه به استقرار شهر ورامین در زمینه‌ای کاملاً روستایی (۳۰۰ روستا) و شاید عشیره‌ای، سنت کهن خرید از شهر را نیز در خود دارد. اما امر خرید فقط رخداد و تجلی معنا چه مستتر و چه عیان در فضای مجموعه مرکزی

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	۱۳۷۹	
۲۰۹	۱۰۷	۵۸	۲۵	۱۱	۵	۳	ورامین



کهن خویش در گوشه‌ای از فضای میدان مرکزی شهر یادآور خاطرات تاریخی بسیاری برای نسل‌های مختلف ورامینی است. این مجموعه مرکزی، مکانی است که فصل مشترک خاطره‌های و ذهنی تاریخی بسیاری از ورامینی‌ها بوده و به نوعی مهم‌ترین مرجع ذهنی شهر محسوب می‌شود (ت ۷ و ۸).

و به همین سبب خیابان‌های مرکزی در ایام سوگواری دهه اول ماه محرم و هر ساله در سال‌گرد قیام ۱۵ خرداد، شاهد راه‌پیمایان مذهبی و سیاسی است که در عبور خود از آن‌ها برای دسترسی به مکان‌های مذهبی مستقر در این فضاها (امامزاده و حسینیه‌ها و مساجد) به شهر چهره نمایشی حیرت‌انگیزی می‌بخشند.

۲. فضاهای مذهبی

دو فضای مذهبی عمده مورد استقبال ورامینی‌ها عبارت‌اند از مسجد جامع تاریخی شهر و امامزاده حسین رضا. مسجد جامع که در دهه‌های گذشته به صورت ویرانه‌ای در حاشیه شهر کهن قرار داشت پس از مرمت‌های سال‌های اخیر به مکان برگزاری نماز جمعه و نمازهای مربوط به اعیاد در فصول گرم سال است. فضای دیگر یعنی امامزاده حسین رضا کارکردهای گوناگونی دارد. این فضا به عنوان یکی از بااهمیت‌ترین زیارت‌گاه‌های منطقه و همچنین مهم‌ترین گورستان شهر از روزگاران دور محل دفن



ت ۶ (راست، بالا) پاساژ نوساخته مجاور میدان مرکزی شهر ورامین.

ت ۷ (راست، پایین) قهوه‌خانه «سید» در خیابان ۱۵ خرداد؛

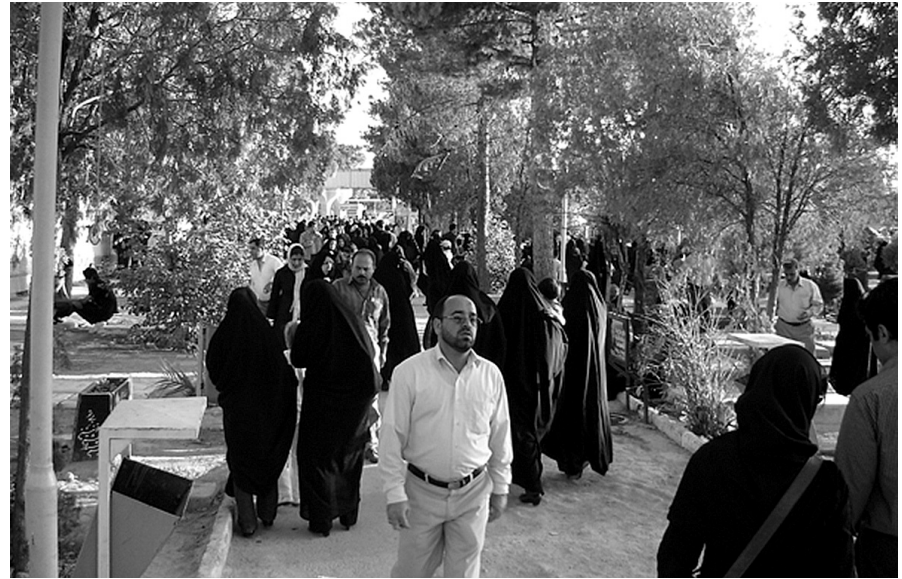
برابرنهاد پاتوق‌های مدرن.

ت ۸ (چپ) کافی‌شاپ خیابان شهید؛ پاتوقی مدرن برای جوانان.

ورامین نیست. خیابان‌های این مجموعه، با درختان چنار کهن سال سایه‌افکن و پیاده‌روهای نسبتاً عریض، امامزاده‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، بناها و یادمان‌های تاریخی، پاساژها، و... فضایی بس جذاب و رنگارنگ را برای شکل‌گیری خاطره‌های جمعی شهر فراهم آورده‌اند؛ خاطره‌هایی در پیوند با تجربه شهر و زیستن در آن. برج ۷۰۰ ساله علاءالدوله با حضور دائمی و



بسیاری از ورامینی‌هاست. به همین سبب و به علت وجود رابطه‌های قوی و عشیره‌ای در منطقه و همچنین وجود اندیشه مذهبی راسخ در زندگی ورامینی‌ها، این مکان به عنوان محل ملاقات چهره به چهره هفتگی بسیاری از ساکنان شناخته می‌شود (ت ۹).



جمع‌بندی

مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات فضاهای عمومی ورامین بر مبنای معیارهای سه‌گانه کالبدی، عملکردی، و اجتماعی عبارت‌اند از:

- **کالبدی:** پیوستگی کالبدی فضاها، فرسودگی نسبی کالبد شهر،

نبود الگویی خاص برای طراحی جداره‌ها و بناها (آشفستگی معماری شهری)، عدم تطابق ظرفیت کالبدی با حجم فعالیت‌ها (غلبه مطروف بر ظرف)، محصوریت کم فضاها، حضور درختان سایه‌افکن، و تجهیز نسبتاً مناسب فضاهای شهری.

- **عملکردی:** پیوستگی عملکردی فعالیت‌ها، رونق فعالیت‌ها

در ساعات‌های آغازین و پایانی روز و نیز روزهای پایانی هفته، چندعملکردی بودن خیابان‌ها، همزیستی فعالیت‌ها در عین ناسازگاری و ناهمگونی عملکردی آن‌ها، شکل‌گیری مراکز عمده خرید (پاساژها)، ارائه خدمات در مقیاس فراتر از شهر، و پایداری و ثبات نسبی کاربری‌ها.

- **اجتماعی:** خاطره‌انگیزی فضاها، حضور نشانه‌ها و نمادهای

مرجع، رونق زندگی شهری، امنیت نسبی ذهنی و روانی، تشکیل پاتوق‌های شهری بر حسب سن و جنس، و حضور نسبی نگاه ناظر ساکنان.

۳. فضاهای سبز

به طور کلی فضاهای سبز شهر ورامین عبارت‌اند از: پارک خانواده، پارک ۱۵ خرداد، فضای سبز میدان ورودی ورامین، و فضای سبز جنب میدان رازی (چوب‌بری). فضاهای سبز میدان ورودی ورامین و میدان چوب‌بری، نسبت به دو پارک یادشده از اقبال بیشتری برخوردارند؛ به‌خصوص فضای سبز میدان ورودی که در ساعات پایانی روز یا تعطیلات پایانی هفته شاهد حضور جمع کثیری از ساکنان شهر و مناطق مجاور است و برای گذران اوقات فراغت استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که پارک‌های خانواده و ۱۵ خرداد انگشت‌شمار پارک‌های ورامین‌اند که کارآیی خدمات‌رسانی در مقیاس شهر را دارند.

ب. قرچک (ت ۱۰)

این کانون زیستی از پرجمعیت‌ترین نقاط مسکونی پیرامونی تهران است که علی‌رغم نام کهن و شواهد زیست‌هزاران‌ساله در منطقه از نوساخته‌ترین و در عین حال ناشناخته‌ترین پدیده‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی موجود در منطقه کلان‌شهری تهران به شمار می‌آید. علت توسعه قرچک در این منطقه ناشی از وجود کوره‌های آجرپزی موجود در این محور به‌خصوص در مناطق بلافصل آن و همچنین منطقه صنعتی پارچین است.

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
قرچک	۱	۱۴	۷۷	۱۴۲	۱۷۴

ت ۹. (بالا) امامزاده حسین رضا؛ مهم‌ترین گورستان شهر.
ت ۱۰. (پایین) جدول جمعیت قرچک از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ ه.ش. (جمعیت به هزار نفر است).

می‌کند. وجود اتومبیل‌ها و موتور سبکلت‌های توقف کرده در پیاده‌روها نیز که راه را برای عبور رهگذران مسدود نموده اند، وجهی دیگر از مشکلات عملکردی فضا است. در ضمن تهی بودن این خیابان از درختان سایه افکن و مبلمان شهری مناسب و همچنین فرسودگی جداره‌های کالبدی نماندگی از مهم‌ترین نمودهای بصری سیمای آن است. دیگر خیابان مهم این شهر، بلوار امام خمینی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این خیابان محل استقرار تمامی نهادهای دولتی و بسیاری از مکان‌های مهم مانند مسجد جامع و بانک‌های مختلف است. استقرار کاربری‌های عمدتاً خدماتی، اندک پاساژهای نوساخته،

ت ۱۱. فضاهای عمومی قرچک
به تفکیک گونه‌ها.



به عبارت دیگر قرچک در دوره‌های اولیه شکل‌گیری خود به عنوان محل سکونت کارگران کوره‌پزخانه‌های منطقه جنوب شرق تهران هويت می‌یابد و بافتی عموماً کارگرنشین پیدا می‌کند. طبق شواهد عینی کانون‌های اولیه رشد قرچک را باید در اطراف خیابان محمدآباد و همچنین اراضی مقابل کارخانه پارس سرام دانست.

استخوان‌بندی کالبدی و عملکردی کانون زیستی قرچک را می‌توان به چلیپایی تشبیه کرد که محور میانی آن یعنی بلوار امام خمینی بازوی اصلی و خیابان محمدآباد بازوی فرعی آن را تشکیل می‌دهند. از دیگر ویژگی‌های ساخت کالبدی قرچک، می‌توان به عدم شکل‌گیری سلسله مراتبی از دسترسی‌ها در اجزای تشکیل‌دهنده آن اشاره کرد که امروزه به شکل کوچه‌های بلند متقاطع با بلوار عریض میانی کانون جلوه‌گر شده و معضلات ترافیکی و عملکردی بسیاری را باعث شده اند.

فضاهای عمومی قرچک (ت ۱۱)

۱. فضاهای شهری

مجموعه چلیپاشکل بلوار امام خمینی و خیابان محمدآباد هسته اصلی فضاهای عمومی قرچک را تشکیل می‌دهد. در این میان خیابان محمدآباد به عنوان شاخص‌ترین فضای عمومی قرچک فضایی است که مجموعه عملکردهای متنوعی را در خود دارد و به نوعی می‌توان با توجه به استقرار تعداد زیادی از واحدهای فروش پوشاک در نیمه ابتدایی خیابان آن را نوعی راسته‌بازار محسوب کرد. حضور انبوه مردمان برای خرید در روزهای پایانی هفته و سال آن را به مهم‌ترین مرکز خرید شهر مبدل کرده است. فقدان فضاهای شهری جدی در شهر، این خیابان را به فضای عمده پرسه‌زنی و دیدن و دیده شدن تبدیل کرده است. هرچند که حضور دائمی و گروهی جوانان بر سر کوچه‌های این خیابان فضای ناامنی را از نظر روانی برای بانوان ایجاد می‌کند و آنان را برای حضور - بدون همراه مرد - در این فضا بی‌رغبت

اقبال کرده و در ساعات‌های پایانی روز و تعطیلات پایان هفته و دیگر ایام سال در قالب خانوادگی، یا گروه‌های مجردی به آن رجوع می‌شود. فضای سبز عمده منطقه یعنی پارک جنگلی نسبتاً وسیع قرچک که شهرداری آن را نیز در خود جای داده است به علت عدم امنیت کافی و حضور و تجمع بزه‌کاران در آن مورد توجه ساکنان قرار نگرفته و فقط منظر زیبا و هوای لطیفی را برای گوشه‌ای از شهر فراهم می‌کند.

جمع بندی

مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات فضاهای عمومی قرچک بر مبنای معیارهای سه‌گانه کالبدی، عملکردی و اجتماعی عبارت‌اند از:

- **کالبدی:** پیوستگی کالبدی فضاها، فرسودگی مطلق کالبد شهر، نبود الگویی خاص برای طراحی جداره‌ها و بناها (آشفته‌گی معماری شهری)، عدم تطابق ظرفیت کالبدی با حجم فعالیت‌ها (غلبه مظلوف بر ظرف)، محصوریت کم فضاها، عدم حضور درختان سایه‌افکن، و مبلمان شهری مناسب.

- **عملکردی:** پیوستگی عملکردی فعالیت‌ها، رونق فعالیت‌ها در ساعات‌های پایانی روز و نیز روزهای پایانی هفته، چندعملکردی بودن خیابان‌ها و بروز نمودهای شکل‌گیری راسته‌های تخصصی، حضور ناچیز مراکز عمده خرید (پاساژها)، ناسازگاری و ناهمگونی عملکردها و کاربری‌ها، ارائه خدمات عمدتاً در مقیاس شهر، و پویایی و دگرگونی نسبی کاربری‌ها.

- **اجتماعی:** خاطره‌انگیزی نسبی فضاها، نبود نشانه‌ها و نمادهای مرجع، رونق زندگی شهری، امنیت کم‌ابیش پایین ذهنی و روانی، تشکیل پاتوق‌های شهری بر حسب سن و جنس، و حضور پررنگ نگاه ناظر ساکنان (نظارت قوی اجتماعی).

ساختمان شهرداری، و مجموعه دالان‌های سرپوشیده تجاری متعدد، همگی نقشی مهم و اساسی در جاری و ساری شدن زندگی شهری قرچکی‌ها دارد. حضور مسجد جامع در این فضا و نقش‌های متعاقب آن در روزهای تاسوعا و عاشورا و دیگر کارکردهای زندگی‌بخش این فضا در دیگر روزهای سال، آن را به عنوان مهم‌ترین مرجع ذهنی ساکنان قرچک درآورده است. فضایی که بسیاری از نیازهای روزمره زندگی و سایر نیازهای عمده قرچکیان را تأمین نموده و به سبب حضور مردمان دیدارهای چهره به چهره بسیاری میان آشنایان و ناآشنایان رخ می‌دهد (ت ۱۲ و ۱۳).

۲. فضای مذهبی

فقر فضایی در این زمینه نیز به مانند فقر دیگر فضاهای عمومی شهر است. شاید یگانه فضایی که بتوان به عنوان نقطه مرجع مذهبی در شهر از آن نام برد. مسجد جامع (مصلی) شهر باشد که با کالبد نمایان خود نقشی مهم در زندگی مذهبی و اجتماعی شهر ایفاء می‌کند و مکان گردهم‌آیی‌های شهر در روزهای جمعه و دیگر مراسم مذهبی یا حکومتی است.

۳. فضای سبز

علی‌رغم وجود تعدادی فضای سبز در شهر و مناطق مجاور آن تنها فضای سبز میدان ورودی شهر است که ساکنان بدان



۲۳. مرکز آمار ایران، پیشین،
(بازدید: اردیبهشت ۱۳۸۷)

<http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=549&agentType=View&PropertyID=1495>.

ت ۱۲. (راست) جوانان قرچک در خیابان‌ها.

ت ۱۳. (چپ) نمایش اجناس در خیابان محمدآباد.

۲۴. سیدمحسن حبیبی، «اسلامشهر: یک مجموعه زیستی کامل یا یک مجموعه ترکیبی»، ص ۶۲-۷۰.

ت ۱۴. (راست) جدول جمعیت اسلامشهر از ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ هـ.ش. (جمعیت به هزار نفر است).
ت ۱۵. (چپ) فضاهای عمومی اسلامشهر به تفکیک گونه‌ها.



به هم پیوسته‌ای از فضاهای شهری گردد؛ شبکه‌ای که خود می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی و توسعه‌های آتی شهر شده و در سطحی فراتر به آن هویتی شهری و پایدار بخشد.

فضاهای عمومی اسلامشهر (ت ۱۵)

۱. فضای شهری

در میان فضاهای شهری اسلامشهر، خیابان باغ فیض (امام حسین)، ستون فقرات یکی از اولین کانون‌های زیستی متشکله شهر (شهرک باغ فیض) است که در گذر زمان از یک محور صرفاً ارتباطی که وظیفه تأمین نیازهای محلی را بر عهده

ج. اسلامشهر (ت ۱۴)

نزدیک به چهاردهه از شکل‌گیری اسلامشهر به عنوان بزرگترین و قدیمی‌ترین کانون زیستی خودانگیخته پیرامون تهران می‌گذرد. اسلامشهر که روزگاری بر اثر دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - فرهنگی کشور (انقلاب سفید، اصلاحات ارضی و مهاجرت روستاییان به شهرها و...) در حاشیه تهران تولد یافت، امروزه در مقام نوزدهمین کانون جمعیتی کشور^{۳۳}، به عنوان یک بازیگر اجتماعی به ایفای نقشی فعال در منطقه کلان‌شهر تهران می‌پردازد. اسلامشهر در روند دگرگونی خود از مرتبه یک سکونت‌گاه خوابگاهی به مجموعه‌ای با جلوه‌های گوناگون شهرنشینی و شهرگرایی مبدل شده است. شکل‌گیری و تکوین این شهر به صورت خوشه‌ای متشکل از کانون‌های مجاور هم اما مستقل از هم، سبب جدایی‌گزینی و گسترش مستقل هر یک از کانون‌های زیستی این شهر در درون خود شده است.^{۳۴} از همین رو هر یک از این کانون‌ها با توجه به مشخصات خود، روند متفاوتی را در شکل‌دهی به فضاهای شهری خود پیموده‌اند؛ فضایی که به تبعیت از این کانون‌های مستقل به صورت منفصل و جدا از هم به حیات و زیست خود ادامه می‌دهند. اگرچه در سال‌های اخیر و با وجود نیروهای درونی و برونی^{۳۵}، که تمایل به وحدت‌بخشی و یک‌پارچه کردن این مجموعه زیستی دارند، روند تحول فضاهای عمومی دچار دگرگونی‌های عمده‌ای شده و فضاهای عمومی این سکونت‌گاه، امروزه، در مقیاس مجموعه زیستی و فراتر از آن عمل می‌کنند. اسلامشهر در دهه ۱۳۸۰، اقدام به تولید شبکه‌ای ناپیوسته از فضاهای عمومی و شهری با تکیه بر توان‌مندی‌های بومی کرده است که در صورت هدایت و کنترل روند این توسعه، می‌توان امیدوار بود که در آینده این شهر دارای شبکه‌ای منسجم و

۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
۳۵۷	۲۶۵	۲۱۵	۵۰	۱	اسلام‌شهر

داشته به یکی مهم‌ترین فضاهای عمومی اسلامشهر تبدیل شده است. باغ فیض یگانه خیابان اسلامشهر از مجموعه خیابان اولیه است که به صورت بلواری در مقیاس کوچک ساخته شده و همین بستر زیبا و دلنشین عرصه را برای جلب و استقرار کاربری‌های شیک (نظیر طلافروشی‌ها، فروشگاه‌های پوشاک، بستنی‌فروشی‌ها، و...) و زندگی شهری مربوط به این فضای نمایشی فراهم آورده تا آن‌جا که این خیابان تبدیل به مهم‌ترین فضای عمومی اسلامشهر شده است و در روزهای پایانی سال نیز در این خیابان بازار نوروزی اسلامشهر تشکیل می‌شود؛ به گونه‌ای که تردد اتومبیل در آن ممنوع می‌شود و دستفروشان در تمامی طول خیابان بساط پهن می‌کنند و فضایی نمایشی و تماشایی را پدید می‌آورند که فراتر از ظرفیت کالبدی این خیابان است و در مواردی تنش‌های اجتماعی را سبب‌ساز می‌شود.

خیابان زرافشان (امام سجاد) نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای ارتباطی درون مجموعه‌ای و همچنین یکی از مهم‌ترین خیابان‌های تجاری اسلامشهر شناخته می‌شود. در روزهای تاسوعا و عاشورا در جریان یک نمایش گسترده شهری، دسته‌های عزاداری بخش غربی شهر به این خیابان وارد می‌شوند و سبب جلب بسیاری از ساکنان شهر در این ایام می‌شوند و



۲۵. از مجموعه نیروهای بیرونی می‌توان به تلاش مجموعه مدیریت شهری برای معرفی و شکل‌بخشی به اسلامشهر به عنوان یک کل در جهت به رسمیت شناخته شدن آن از سوی مسئولان کشوری و منطقه‌ای در جهت جذب امکانات و درآمدهای بیشتر و از نیروهای درونی می‌توان به تمایل بنگاه‌های اقتصادی برای فعالیت در مقیاس وسیع‌تر و در کنار یکدیگر جهت سودآوری افزون‌تر اشاره نمود.

ت ۱۶. (راست) بازار نوروزی اسلامشهر در مجاورت خیابان باغ فیض.
ت ۱۷. (چپ) صحنه‌ای از نمایش زندگی شهری در باغ فیض.

شروع شکل‌گیری مجموعه اسلامشهر نقش با اهمیتی را در این شهر ایفا کرده است. امروزه علاوه بر کاربری ترافیکی، محل استقرار اکثر مجتمع‌های تجاری بزرگ و بانک‌های اسلامشهر نیز هست. سه بانک بزرگ در دو سوی این فضا جای گرفته‌اند. علاوه بر عملکردهای فوق با استقرار تعداد کثیری از واحدهای عمده‌فروشی محصولات پروتئینی و لبنی و خواروبار، سرنوری مهم‌ترین بازار پروتئین و خرید مایحتاج خوراک اسلامشهر نیز محسوب می‌شود و تعداد زیادی از ساکنان شهر با توجه به دسترسی‌های مناسب سواره به این فضا، در آن حضور یافته و نیازهای خود را از آن تأمین می‌کنند (ت ۱۸).

دیگر میدان مهم اسلامشهر، که واجد توانایی خدمات‌رسانی در مقیاسی فراتر از سطح شهر است، میدان میوه و تره‌بار است. در چنین فضایی است که مردمان شهر، خانواده‌ها، و افراد برای خرید میوه و سبزی روزانه و هفتگی خود در میان بساط رنگ به رنگ دست‌فروشان و مغازه‌داران پرسه می‌زنند و از این سوی بدان سوی می‌روند و زندگی شهری را در معنای واقعی آن را رقم می‌زنند. هیاهوی ناشی از فریادهای دعوت فروشندگان برای فروش اجناس خود و چانه‌زدن‌های خریداران فضا را آکنده می‌کند و بوی سبزی و میوه فضا را در بر می‌گیرد.

۲. فضای مذهبی

فضاهای مذهبی اسلامشهر، آمیزه‌ای از مکان‌های مذهبی نوساخته و کهن است. مهم‌ترین مکان مذهبی کهن این شهر، امامزاده عقیل است که امروز به مکان اصلی گردهم‌آیی و تظاهرات مذهبی در مقیاس شهر و حتی فراتر از آن تبدیل شده است و شکلی دیگر از حیات شهری در ترکیب با زندگی امروز را رقم می‌زند. مراسم آیینی و پرغوغای نخستین دهه محرم، نمایش‌های بزرگ شهری را سبب می‌شوند که در آن‌ها بازیگر و تماشاگر در هم می‌آمیزند و هر یک به جای دیگری می‌نشینند. انبوه جمعیت با زبان‌ها و لهجه‌های مختلف - به علت ترکیب

این خیابان در این روزها شاید به مهم‌ترین خیابان شهر تبدیل می‌شود. از دیگر دلایل اهمیت این خیابان کاربری‌های مستقر در آن از جمله حضور طیف وسیعی از کاربری‌های تجاری مرتبط با امر مسکن و ساخت‌وساز - که به صورت راسته بازار استقرار یافته‌اند - است. تعداد بسیار زیاد بنگاه‌های املاک مستقر در این خیابان را نیز می‌توان در پیوند با رونق ساخت‌وساز در این منطقه و استقرار خیابان زرافشان در منطقه توسعه‌های جدید شهر و همچنین هم‌جواری با سایر کاربری‌های ساختمانی توجیه کرد (ت ۱۶ و ۱۷).

دیگر خیابان مهم این شهر که در ضمن رابط منطقه مرکزی با شهرک‌های شمالی اسلامشهر است، خیابان آیت‌الله کاشانی است که با جای دادن یگانه سینما و بزرگ‌ترین کتاب‌خانه شهر در خود، چهره‌ای خاص و هویتی ویژه دارد. حضور و جلوه‌گری دو کاربری اصلی تجاری موجود در این خیابان یعنی فروشگاه‌های لوازم خانگی و موبایل همراه تعداد زیادی از طلافروشی‌ها، آرایشگاه‌های زنانه و همچنین گل‌فروشی‌ها و فروشگاه‌های پوشاک و کفش، همگی بخشی دیگر از ویژگی‌های این خیابان هستند که نوعی زندگی شهری را سبب‌ساز شده‌اند.

مهم‌ترین میدان اسلامشهر، سرنوری نام دارد که قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گره ترافیکی اسلامشهر نیز هست. این میدان از





فعالیت‌ها قرار گیرد و اقدام‌های مفیدی در این زمینه صورت گیرد. خریداری و تبدیل برخی از باغ‌های قدیمی منطقه و تبدیل آن‌ها به پارک و همچنین احداث برخی دیگر از پارک‌ها در اراضی بایر مجموعه از جمله این اقدام‌ها بود. پارک قائم در همسایگی میدان خروجی اسلامشهر از مهم‌ترین این فضاهاست. اینجا مکانی است که در ساعت‌های پایانی روز و بالاخص تعطیلات پایانی هفته شاهد حضور گسترده و پرشور ساکنان برای گذران اوقات فراغت در کنار خانواده و بهره‌گیری از مواهب طبیعت است.

جمع‌بندی

مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات فضاهای عمومی اسلامشهر بر مبنای معیارهای سه‌گانه کالبدی، عملکردی، و اجتماعی عبارت‌اند از:

- **کالبدی:** ناپیوستگی کالبدی فضاها، فرسودگی نسبی کالبد شهر، نبود الگویی خاص برای طراحی جداره‌ها و بناها (آشفتگی معماری شهری)، عدم تطابق ظرفیت کالبدی با حجم فعالیت‌ها (غلبه مظهر بر ظرف)، محصوریت کم فضاها، و عدم حضور درختان سایه‌افکن و مبلمان شهری مناسب.

- **عملکردی:** گسستگی عملکردی فعالیت‌ها، رونق فعالیت‌ها در ساعت‌های پایانی روز و نیز روزهای پایانی هفته، شکل‌گیری راسته‌های تخصصی به جای چند عملکردی بودن خیابان‌ها، عدم حضور مؤثر مراکز عمده خرید (پاساژها)، ارائه خدمات در مقیاس فراتر از شهر، و پویایی و دگرگونی نسبی کاربری‌ها.

- **اجتماعی:** خاطره‌انگیزی نسبی فضاها، کمبود نشانه‌ها و نمادهای مرجع، رونق زندگی شهری، امنیت نسبی ذهنی و روانی، تشکیل پاتوق‌های شهری بر حسب سن و جنس، و حضور پررنگ نگاه ناظر ساکنان (نظارت قوی اجتماعی).

مهاجرنشین‌های منطقه - شیوه‌های متفاوت عزاداری با نمادها و پرچم‌های رنگ‌رنگ و گونه‌گون‌شان را در کنار کالبد بسیار ساده و فروتن امامزاده به نمایش می‌گذارند.

در نزدیکی این امامزاده، مصالای جدید اسلامشهر قرار گرفته است که در روزهای جمعه و اعیاد یا سوگواری‌های مذهبی سال، مانند اعیاد فطر و قربان، محل حضور و دیدار بسیاری از ساکنان است و به سبب حضور هفتگی بسیاری از مردم، جای خود را در شبکه نشانه‌های شهری باز کرده است. گورستان جدید شهر (دارالسلام) نیز در کنار دو فضای فوق، از مهم‌ترین فضاهای مذهبی اسلامشهر به حساب می‌آید (ت ۱۹).

۳. فضای سبز

از آن‌جا که اسلامشهر در استحالته خود از مجموعه‌های جدا از هم به شهر، کاربری‌های شهری در همه ابعاد آن را مطالبه می‌کند، فضاهای سبز به عنوان یکی از کاربری‌های عمده چهره می‌نمایند. در نخستین گام این دگردیسی، مردمان فضاهای شهری مورد نیاز را در تهران یا در اراضی کشاورزی پیرامونی جستجو می‌کردند. پس از تهیه طرح جامع، دومین گام اساسی با پیش‌بینی کاربری‌های شهری از جمله فضای سبز خاص شهر برداشته می‌شود. افزایش توانمندی‌های مالی، اداری، و ساختاری شهرداری سبب می‌شود تا فضای سبز نیز در کانون توجهات و

هرگونه ارزش هنری، زیباشناختی یا ویژگی‌های بومی و محلی اند. فقط در ورامین به علت حضور بناهای تاریخی و کهن، می‌توان نشانی از حضور جداره‌ای باارزش و واجد ویژگی‌های بومی را یافت.

- شباهت در استقرار عناصر تشکیل‌دهنده خیابان‌ها در هر سه شهر: پیاده‌روها در طرفین، سپس ردیفی از درختان و جوی آب (عمدتاً فاضلاب) که میلمان شهری معدودی را در خود دارند.

- حداقل محصوریت لازم برای بسته بودن فضای شهری، به علت آن که خیابان‌ها با جداره‌های عمدتاً دوطبقه تعریف می‌شوند. گرچه محصوریت فضا در ورامین با حضور درختان افزاشته چنان تا حدی جبران می‌شود.

- کارکرد تجاری و استقرار کاربری‌ها در هر سه شهر با وجود تفاوت‌های معنادار در نحوه قرارگیری و پراکنش فضایی در سطح شهر، عرصه‌ای را برای حضور اقشار مختلف ساکنان، خواه برای امر خرید و خواه به قصد استراحت و تفریح، و تماشا کردن و دیده شدن فراهم آورده است. این حضور و گردهم‌آیی مردمی، خود از سوی دیگر پویایی و دگرگونی مداوم کاربری‌ها را سبب شده است.



ت ۲۰. (راست) تشکیل بازار نوروزی به صورت خودانگیخته در گوشه‌ای از شهر.

ت ۲۱. (چپ) نمایش‌گران سیار شهری هر روز گوشه‌ای از شهر را برای برپایی بساطشان انتخاب می‌کنند.

تحلیل و پردازش یافته‌ها

۱. فضاهای غیر رسمی و بالقوه در هر سه شهر

فضاهای غیر رسمی و بالقوه در هر سه شهر تجلی و نمودی کمابیش یکسان دارند؛ عرصه‌ها و فضاهای رهاشده و بلااستفاده، چه در درون شهر و چه پیرامون آن به سبب ویژگی‌های خاص مترتب بر آن‌ها در روزهای محدودی از سال و بنا به علل گوناگون به مثابه مکان تجمعات و تعاملات مردمی رخساره می‌نمایند. هرچند که از نظر فضایی و کالبدی، شایستگی پذیرایی چنین استفاده‌ای را ندارند. معرکه‌گیری‌ها، بازارهای دوره‌ای، نمایشگاه موقتی، دست‌فروشان دوره‌گرد، شکل‌گیری پاتوق‌های زنانه در برخی از کوچه‌های شهر، نمایش‌های شهری همچون تعزیه یا گردهم‌آیی‌های محلی، و... مصادیقی بارز و عینی از نوع فعالیت‌ها و رویدادهای تبلور یافته در چنین فضاهایی هستند (ت ۲۰ و ۲۱).

۲. تحلیل مقایسه‌ای

۱.۲ ویژگی‌های مشترک فضاهای عمومی در هر سه شهر

- نبود الگویی خاص برای طراحی جداره‌ها و بناهای مهم شهری و گسستگی شکل و کالبد. جداره‌های این بناها مانند بسیاری از نمونه‌های مشابه در سطح کشور فاقد



- غلبه مظلوف (محتوا) بر ظرف (کالبد): بدین معنا که با وجود فرسودگی کالبدی، بی‌نظمی صوری، ناسازگاری عملکردها و کاربری‌ها و ناهمگونی بین فضا، فرم، و فعالیت شهری، افول و اضمحلال نمایش زندگی شهری را شاهد نیستیم. در این فضاها، صحنه‌ها و تصاویری مملو و انباشته از تبلور و شکوفایی نمایش زندگی شهری دیده می‌شود و نشان از آن دارند که با وجود آسیب‌دیدگی و فرسودگی کالبد، جریان عمومی زندگی با همه رخدادهای رویدادها، انگاره‌ها، تجارب، و تخیلات عیان و مستتر در شهر جاری است؛ جریان و نمایشی که بی‌تردید با گذر زمان و متأثر از ظهور و تکوین عناصر و عوامل اجتماعی، فرهنگی و شهری جدید، اساس و شاکله‌ای دیگرگونه نسبت به گذشته را سبب خواهد شد.

- وجود کاربری‌هایی مانند کافی‌شاپ، رستوران، و قهوه‌خانه و نیز وجود تعداد مناسبی از خواربارفروشی‌ها در فضاهای شهری هر سه کانون، می‌تواند عاملی مؤثر برای پرکردن اوقات فراغت جوانان برای پرسه زدن، تفریح و تفرج، و... باشد و از آن مهم‌تر، رونق فعالیت‌ها در ساعات پایانی روز و روزهای پایانی هفته را سبب شود و امنیت نسبی ذهنی و روانی برای استفاده‌کنندگان از فضا - وابسته به هر طبقه، سن یا جنس - را فراهم آورد. گرچه این امنیت نسبی ذهنی و روانی تا حدودی در قرچک به نسبت دو شهر دیگر کمتر است.

- فضاهای مذهبی در هر سه شهر شباهت‌های بیشتر و تفاوت‌های کمتری را نشان می‌دهند. مساجد جامع کهن و جدید ورامین و نیز مسجد جامع قرچک و مصالای اسلامشهر کارکردهای کاملاً مشابهی دارند و محل برگزاری نمازهای جمعه و اعیاد و دیگر تظاهرات سیاسی - مذهبی هستند که می‌توانند زمینه‌افزایش همبستگی اجتماعی در سه شهر را فراهم آورند. گورستان‌های اصلی

ورامین و اسلامشهر نیز کارکرد مشابهی دارند و علاوه بر حضور انبوه باشندگان بر مزار رفتگان، عملاً مکانی برای ایجاد آشنایی‌ها هستند و به سبب نظارت اجتماعی کمتر، مکانی برای قرار و ملاقات‌های جوانان نیز هستند. اما در قرچک مشاهدات نشان می‌دهد که گورستان اصلی این کانون نقش چندان مؤثری را در حیات اجتماعی ساکنان بر عهده ندارد. به طور کلی با توجه به بافت مذهبی شهر ورامین و درهم‌تنیدگی بقعه‌های مذهبی و بافت شهر، این‌گونه اماکن به عنوان عرصه‌های برقراری تعاملات اجتماعی و آشنایی‌جویی‌ها، نقش مؤثرتری در زندگی جمعی ورامینی‌ها نسبت دو شهر دیگر بر عهده دارند.

- فضاهای سبز به عنوان سومین گونه از فضاهای عمومی شناسایی‌شده، دارای شباهت‌های بسیاری در مکان استقرار و نوع و گونه فعالیت‌ها در هر سه شهر هستند. از مهم‌ترین فضاهای سبز مورد استقبال در هر سه کانون زیستی، فضاهای مجاور و درون میدان‌های ورودی یا خروجی شهرها هستند که در تعطیلات پایانی هفته و دیگر ایام تعطیل سال پذیرای حضور گسترده خانواده‌ها برای گذران اوقات فراغت هستند. جز قرچک که فاقد پارک درون‌شهری مورد اقبال است، پارک‌های درون‌شهری ورامین و اسلامشهر نیز شاهد برگزاری گردهم‌آیی‌های بزرگ خانوادگی هستند. تنها تفاوت، محصور بودن پارک‌های ورامین است که بنا بر سنت گذشته هنوز نرده‌ها و دیوارهای خود را حفظ کرده اند.

۲.۲. ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد فضاهای عمومی در هر سه شهر

در ورامین به علت سابقه کهن شهرنشینی - که در طول هفت سده گذشته به صورت منقطع و در هشت دهه اخیر به صورت پیوسته استمرار داشته - مجموعه فضاهای عمومی موفق به

تا هنوز بافت و ساخت آغازین خود را حفظ کرده است. شاید بتوان علت این امر را مرتبط و متأثر از هسته اولیه به عنوان نقطه شروع توسعه در شکل‌گیری قرچک و تکوین و گسترش شهر در پیرامون این هسته دانست. استقرار در میان دو قطب جاذب ملی و منطقه‌ای - تهران و ورامین - و نزدیکی نسبی به آنان و نیز مجاورت بلافصل با کانون زیستی پرجمعیت دیگر منطقه یعنی باقرآباد می‌تواند چنین وضعیتی را توجیه نماید. از مهم‌ترین ویژگی‌های فضاهای عمومی قرچک می‌توان به عدم امنیت نسبی روانی و ذهنی استفاده‌کنندگان، استقرار نسبی برخی از کاربری‌های مشابه در مجاورت هم، عدم تطابق مقیاس فضاهای عمومی با مقیاس شهر، رونق فعالیت‌ها در ساعات پایانی روز و هفته، معضلات عملکردی و بهداشتی فراوان، سیمای آشفته و نازیبا، و فرسودگی‌های کالبدی اشاره داشت.

اسلامشهر با مجموعه‌ای از فضاهای عمومی منفصل - بر خلاف ورامین و قرچک - نمونه‌ای کاملاً متفاوت از یک شهر خودانگیخته در مقیاسی بزرگ را ارائه می‌کند. شکل‌گیری و تکوین این شهر به صورت خوشه‌ای متشکل از دانه‌های مجاور هم اما مستقل در پیرامون یک محور میانی (جاده ساوه) سبب جدایی‌گزینی و گسترش مستقل هر یک از کانون‌های زیستی این شهر در درون خود شده است. هر کانونی از شهر بنا بر ویژگی‌های خاص خود اقدام به ایجاد فضایی در جهت رفع نیاز روزمره ساکنان مانند خرید، فضای فعالیت نوجوانان و جوانان، و پاتوق‌های ویژه میانسالان و کهنسالان کرده است. در واقع عدم پیوستگی کالبدی و عملکردی فضاهای عمومی اسلامشهر سبب شده این فضاها، هر یک با هویت و ماهیتی ویژه و متمایز از هم، وضعیتی کاملاً متفاوت از فضاهای عمومی ورامین داشته باشند. در این میان، دگردیسی شهر و حرکت تدریجی به سوی وحدتی نسبی و نزدیک شدن کانون‌ها به یکدیگر، سبب پیدایی برخی ارتباط‌های بین کانونی شده و در نتیجه معدودی از فضاهای شهری برخی کانون‌ها، با توجه به پیش‌زمینه‌های

ایجاد شبکه‌ای به هم پیوسته، همگن، و کارآ - مشابه مرکز شهر برخی از شهرهای کهن - شده اند که مکان تبلور نمودهای زندگی جمعی ورامینی‌ها و در سطحی فراتر، نمایش زندگی شهری هستند. با حضور در این فضا می‌توان بسیاری از ابعاد و لایه‌های اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی ورامین و منطقه استقرار آن را بازشناخت. از مهم‌ترین مشخصه‌های این شبکه فضاهای عمومی می‌توان به همزیستی کاربری‌های سازگار و ناسازگار اشاره کرد. به گونه‌ای که نمی‌توان چهره و سیما با عملکرد خاصی را در هر یک از اجزای این مجموعه مشاهده کرد. رونق فعالیت‌ها در ساعات پیش از ظهر، عصر و ساعات آغازین شب، خاطره‌انگیزی و نمادهای شهری کهن، مرجع ذهنی بودن، داشتن چهره و عملکرد تقریباً ثابت، امنیت نسبی روانی برای استفاده‌کنندگان، نظم فیزیکی و کالبدی در استفاده از فضا (درختان مشجر، آب‌خوری‌ها و سکوه‌های استراحت و...)، و دسترسی آسان از دیگر مشخصه‌هاست. گو این‌که می‌توان گفت علی‌رغم ویژگی‌های فوق، عدم تطابق ظرفیت و کالبد با تعداد استفاده‌کنندگان و برخی معضلات بهداشتی و عملکردی، فضاهای شهری را در تنگنا قرار داده است. و باز آن‌چه که می‌باید در بررسی مختصات فضاهای عمومی ورامین توجه جدی بدان کرد، ارتباط کهن و بسیار قوی ورامین با حوزه روستایی وسیع پیرامونی آن و حضور پررنگ روستاییان در عرصه فضاهای عمومی ورامین است. وابستگی شدید اشتغال بسیاری از ورامینی‌ها با اقتصاد پررونق کشاورزی و دامداری منطقه، شکل دیگری از حیات شهری را رقم می‌زند که نیاز به پژوهش‌های جداگانه‌ای دارد.^{۲۶}

قرچک به عنوان یک سکونت‌گاه کارگری تک‌هسته‌ای، شهری کمتر شناخته‌شده و نوپاست. به همین سبب دگرگونی عمده‌ای در عرصه فضاهای عمومی را تجربه نکرده و با وجود جمعیت انبوه، فقط به فضای خیابان محمدآباد و اندکی از محور میانی مجاور آن می‌توان به عنوان فضای عمومی اشاره کرد که

۲۶. از جمله این تأثیر و تأثرات می‌باید به تأمین نیازهای این گروه از ساکنان روستایی توسط شبکه تجاری ورامین و همچنین حضور این دسته از افراد در عرصه فضاهای عمومی در ادامه سنت خرید از شهر و همچنین تمول نسبی برخی از آنان و نیاز به وجود فضاهایی در جهت برآورده کردن احساسات جاه‌طلبانه ایشان اشاره کرد که بررسی این موارد در حوصله این مقال نبوده و نیاز به پژوهشی جداگانه دارد. برای کسب اطلاعات دقیق‌تر، نک:

- جواد صفی‌نژاد، مونوگرافی ده طالب‌آباد. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.

مناسب خود مانند دسترسی، کالبد و عملکرد، و مکان مناسب در میان کانون‌های متشکله، به سوی ایفای نقش فضای عمومی در مقیاس کل مجموعه حرکت کرده اند (ت ۲۲).

نتیجه

کلید درک روند تکوین و شکل‌گیری فضاهای عمومی در سه کانون زیستی پیرامونی تهران (ورامین، قرچک، اسلامشهر) مبتنی بر ادراک و فهم ارتباط عمیق و چندسویه میان شیوه شکل‌گیری هر یک از کانون‌های زیستی و پیدایی و تکوین فضاهای عمومی آنان است. به عبارت دیگر جنبه‌ها و وجوه گوناگون و متکثر عواملی نظیر فرم، فضا، و فعالیت فضاهای عمومی ورامین، قرچک، و

اسلامشهر، به ترتیب با سابقه کهن شهرنشینی در ورامین، پیدایی قرچک به عنوان سکونت‌گاه کارگری تک‌هسته‌ای، و ظهور اسلامشهر به عنوان مجموعه‌ای از کانون‌های زیستی مستقل در خود و مجاور هم، معنا می‌یابد. در این میان گرچه ویژگی‌ها و عواملی همچون فرسودگی نسبی کالبدی، غیر بهداشتی بودن فضاها، ناسازگاری عملکردها و کاربری‌ها، ناسازگاری بین فضا، فرم، و فعالیت، عدم ارزش فضای عمومی از دیدگاه شکل‌گرایانه و زیباشناختی - البته جز در مورد بناهای تاریخی به‌خصوص در ورامین - پیاده‌روهای ناهموار و بدآرایش‌یافته، بوی نامناسب ناشی از کاربری‌های ناسازگار و مانداب‌های جوی‌ها، و اغتشاش و بی‌نظمی در آلودشدن سواره و پیاده، همه و همه نشان از آشفتگی و بی‌سروسامانی ظرف و کالبد دارند، ولی همه اینها به معنای افول و اضمحلال نمایش زندگی شهری نیست. در این مجموعه با غلبه مظلوف بر ظرف، محتوا و درون‌مایه فضای شهری و عرصه عمومی، بیش و کم، همچون برابرنهادی در مقابل تمام کاستی‌ها و نقصان‌های کالبدی - زیباشناختی یادشده، رخساره می‌نماید و از همین ره جریان عمومی زندگی با همه رخدادها، کارکردها، معانی، تجارب، و تجلیات خود، چه عیان و چه مستتر در شهر و فضاهای عمومی آن جاری می‌شود. ورامین در رجوع به تاریخ خود، مکان‌ها و مراجع ذهنی قدرت‌مندی را طرح می‌کند که با متانت و وقار خاص خود در زمینه‌ای نه چندان مناسب از دگرگونی‌های هشت دهه اخیر نشسته اند و مجموعه فضاهای عمومی به هم پیوسته، همگن، و کارایی را عرضه می‌دارد. قرچک، به نظر می‌رسد که در آغاز پویایی قرار گرفته است که می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور، مهر و نشان زندگی شهری و حیات اجتماعی را بر رخساره فضاهای عمومی خود حک کند و اسلامشهر با رشد شتابان خود، اولین رفتارها و هنجارهای شهری شدن را در دورانی کوتاه از خود بروز می‌دهد و شاید بتواند الگویی باشد برای چگونگی شکل‌گیری فضای شهری و عرصه عمومی در دیگر کانون‌های زیستی خودانگیخته پیرامون شهرهای بزرگ.

ویژگی‌های فضای عمومی				ورامین	قرچک	اسلامشهر		
معیارهای کالبدی	پیوستگی فضایی	●	●	●	●	●		
	فرسودگی کالبد شهر	●	●	●	●	●		
	الگو برای طراحی جداره‌ها و ابنیه	○	○	○	○	○		
	محصورت فضای	●	●	●	●	●		
	تجهیزات شهری مناسب	○	○	○	○	○		
معیارهای عملکردی	تطابق ظرفیت کالبدی با حجم فعالیت‌ها (تعادل میان ظرف و مظلوف)	○	○	○	○	○		
	پیوستگی عملکردی	●	●	●	●	●		
	راسته‌های تخصصی	●	●	●	●	●		
	تنوع عملکردی	●	●	●	●	●		
	مراکز عمده خرید (پاساژها)	○	○	○	○	○		
معیارهای اجتماعی	رونق فعالیت‌ها پیش از ظهر	●	●	●	●	●		
	رونق فعالیت‌ها در شام‌گاهان	●	●	●	●	●		
	دگرگونی کاربری‌ها	●	●	●	●	●		
	خدمات در مقیاس منطقه شهری	●	●	●	●	●		
	خاطره‌انگیزی فضاها	●	●	●	●	●		
نمایه	نشانه‌ها و نمادهای مرجع	○	○	○	○	○		
	رونق زندگی شهری	●	●	●	●	●		
	امنیت ذهنی و روانی	●	●	●	●	●		
	پانوق‌های شهری	●	●	●	●	●		
	نگاه ناظر ساکنان (نظارت اجتماعی)	●	●	●	●	●		
				○ خیلی کم	● کم	● متوسط	● زیاد	● خیلی زیاد

ت ۲۲. جدول مقایسه تطبیقی ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی فضاهای عمومی.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، یرواند. *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و دیگران. تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
- امینی، محمد و همایون رضوان. *تاریخ اجتماعی ورامین از ابتدا تا عصر پهلوی*. ورامین: انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، ۱۳۸۰.
- پارسی، حمیدرضا. «شناخت محتوای فضای شهری». در *هنرهای زیبا*، ش ۱۱ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۴۹-۴۱.
- تاجیک، علیرضا و سیده زهرا عطری. *آثار تاریخی ورامین باستان*. قم: مهرالمؤمنین، ۱۳۸۶.
- حبیبی، سیدمحسن. «اسلامشهر: یک مجموعه زیستی کامل یا یک مجموعه ترکیبی». در *گفت‌وگو*، ش ۱ (پاییز ۱۳۷۲)، ص ۶۲-۸۵.
- _____. «نقش و جایگاه مجموعه‌های زیستی پیرامون شهرهای بزرگ در نظام اسکان کشور، نمونه مطالعاتی: اسلامشهر». در *هفت شهر*، ش ۸ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۳۵-۲۵.
- _____. *از شار تا شهر*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- _____. «جامعه مدنی و حیات شهری». در *هنرهای زیبا*، ش ۷ (تابستان ۱۳۷۹)، ص ۳۳-۲۱.
- _____. «فضای شهری، حیات واقعه‌ای و خاطره‌های جمعی». در *صفه*، ش ۲۸ (بهار و تابستان ۱۳۷۸)، ص ۱۶-۲۱.
- _____. «فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای». در *صفه*، ش ۳۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، ص ۵-۱۳.
- _____. *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۵.
- حبیبی، سیدمحسن و برنارد هورکاد. *اطلس کلانشهر تهران*. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۴.
- دیولافوا، مادام ژان. *ایران، کلد و شوش*. ترجمه علیمحمد فره‌وشی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- رهنمایی، محمدتقی. «گسترش تهران و دگرگونی روستاهای آن». *تهران پایتخت دویست ساله*. گردآوردندگان شهریار عدل و برنار اورکاد. تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، انجمن ایرانشناسی فرانسه، ۱۳۷۵.
- _____. *سالنامه آماری*. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.
- صفی‌نژاد، جواد. *مونیوگرافی ده طالب‌آباد*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- کاتوزیان، محمد علی همایون. *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.
- مدنی‌پور، علی. «فضاهای عمومی و خصوصی شهر». ترجمه بابک محقق. در *اندیشه ایرانشهر*، ش ۳ (بهار ۱۳۸۴)، ص ۲۶-۳۶.
- _____. *تهران ظهور یک کلانشهر*. ترجمه حمید زرآزوند. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۸۱.
- همتی، محسن. *کتاب اسلامشهر: اولین بانک اطلاعات شهری اسلامشهر*. تهران: توانا، ۱۳۸۴.
- هورکاد، برنارد. *تهران البرز*. ترجمه دکتر سیروس سهامی. مشهد: انتشارات محقق و انتشارات ترانه، ۱۳۸۸.
- Banerjee, T. "The future of public space: Beyond invented streets and reinvented places". *Journal of American Planning Association*, 67 (1), 2001, pp. 9-24.
- Cybrivsky, R. "Changing patterns of urban public space - Observations and assessments from the Tokyo and New York metropolitan areas". *Cities*, Volume 16, Number 4, August, 1999, pp. 223-231.
- Goodsell, Ch. T. "The Concept of Public Space and It's Democratic Manifestations". *The American Review of Public Administration*, no. 33, 2003, pp. 361-383.
- Eriksen, E. O. "An Emerging European Public Sphere". *European Journal of Social Theory*, 8 (3), 2005, pp. 341-363.
- Malone, K. "Street Life: Culture and Competing Uses of Public Space". *Environment and Urbanization*, no. 14, 2002, pp. 157-168.
- Pasaogullari, N. "Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta". *Cities*, vol. 21, no. 3, 2004, pp. 225-232.
- Talen, E. "Measuring the Public Realm: A Preliminary Assessment of the Link Between Public Space and Sense of Community". *Journal of Architecture and Planning Research*, no. 17:4, 2000, pp. 344-360.
- Thompson, C. W. "Urban open space in the 21st century". *Landscape and Urban Planning*, no. 60, 2002, pp. 59-72.
- Williams, R. J. "Modernist Civic Space and the Case of Brasilia". *Journal of Urban History*, no. 32, 2005, pp. 120-137.